

اردبیل، مهد تعزیه از عهد صفویه

خطه اردبیل که در تاریخ به دارالامان و دارالارشاد شهره شده، از عهد صفوی مهد تعزیه (شبه‌خوانی) بوده و این سنت به تدریج به بخشی از فرهنگ عاشورایی پایتخت حسینیت تبدیل و جزئی از هنرهای نمایشی کشور شده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا، واقعه عاشورا و شهادت حضرت امام حسین (ع) و ۷۲ نفر از یاران باوفای ایشان در سال ۶۳ هجری قمری به گواه تاریخ سرمنشاء زاینده‌گی و بالندگی فرهنگ از خودگذشتگی، جانبازی و شهادت طی مسیر حق در بین مسلمانان به ویژه گفتمان سیاسی و ادبیات مذهبی شیعیان شده است.

واقعه عاشورا به واقع حادثه‌ای بزرگ از نظر تاریخی، اعتقادی و سیاسی بود که احیاگر ارزش‌های والایی همچون سرسپردگی و پیروی محض از ولایت اولی الامر، ایستادگی بر موضع حق، وفاداری مطلق در عین ترغیب به اندیشه انتقادی و پرسشگری، نفی پذیرش سلطه، رد ستم و ستمگری، امر به معروفها و نهی از منکرها با هدف اصلاح امور امت و حاکمیت شد.

از همه اینها مهم‌تر روش و منش کربلایی‌ها تجسم التزام عملی به شعائر اسلامی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و حتی ورزشی در جامعه‌های اسلامی معاصر شد؛ واقعه‌ای که با وجود گذشت بیش از یک‌هزار و ۳۸۳ سال همچنان زمینه ظهور و استمرار فرهنگی بالنده و موتور محرک شیعیان در راستای عمل به دستورها و منویات قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی و حفظ سنت حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین فرستاده از سوی پروردگار جهانیان برای هدایت و رستگاری انسان‌ها است.

واژه‌شناسی تعزیه

واژه تعزیه (تعزیت) یا عرض تسلیت گفتن برگرفته از ریشه عربی عزى [یک فعل ثلاثی مزید] و به معنی سوگواری، برپایی یادبود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پرسیدن از خویشان درگذشته، خرسندی دادن و در برخی مناطق ایران مانند خراسان به معنای مجلس ترحیم است.

بر اساس یادداشت مرحوم علی‌اکبر دهخدا، نگارنده و مولف واژه‌نامه دهخدا، تعزیه یا تعزیت و تعزیه برابر سوگواری و عزاداری در نظر گرفته می‌شود و در یک عبارت روضه‌خوانی و شبیه و برپاداری عزای حضرت سید الشهداء (ع) و هر نمایش منظوم است که از سوی اهل فن و با موسیقی بخشی از مصائب اهل بیت (ع) را مصور سازد.

همچنین برای مترادف تعزیه در واژه‌نامه‌ها روضه، روضه‌خوانی، سوگواری، عزاداری، ماتمداری، مرثیه، نوحه‌سرایی، سوگواری کردن، عزاداری کردن، نوحه‌سرایی کردن، شبیه‌خوانی، نمایش مذهبی و برابر پارسی شیون، سوگواری، سوگیاد آورده شده است که هیچ یک در برابر اصل واژه و روح حاکم بر آن به حدی که باید، رسا و گویا نیست.

واژه‌نامه هنر تعزیه

واژه‌نامه هنر تعزیه شامل شبیه‌گردانی: نمایش تعزیه، شبیه: بازیگر، مقتل‌نویس: نویسنده نسخه و متن نمایش، معین البکا: کارگردان، ناظم البکا: دستیار کارگردان، بانئ: سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده، فرد: نسخه و متن نمایشنامه، موافق خوان: بازیگری که در نقش پیامبران، امامان و یاران‌شان یا افراد مثبت بازی می‌کند.

مخالف خوان: بازیگری که در نقش دشمنان اسلام و افراد منفی بازی می‌کند، تخت‌خوان: بازیگری که در نقش یزید بازی می‌کند، بچه‌خوان: کسی که جای کودکان می‌خواند، زبانه خوان: بازیگری که در نقش زن بازی می‌کند، زینب‌خوان: بازیگری که در نقش زینب بازی می‌کند، رجزخوانی: هنگامی که اولیا و اشقیا در برابر هم از افتخارها و اصل و نسب خود حرف می‌زنند.

اشتم‌خوانی یا پهلوان‌خوانی: هنگامی که اشقیا به صورت غالی گفت‌وگوهایشان را بیان می‌کنند در حالی که اولیا در یک دستگاه موسیقی گفت‌وگو را به آواز بیان می‌کنند که به آن تحریر هم گویند، موالف‌خوان: شخصی که در نقش اولیا بازی می‌کند، دستگاه: هر تعزیه کامل را یک دستگاه یا مجلس گویند.

پیشینه تعزیه در ایران

پیشینه تاریخی مشخص و مستندی در بحث تعزیه وجود ندارد و از همین رو برخی تنها بر اساس گمان و با تاکید بر اصل ایرانی بودنش، شکل‌گیری و درون مایه چنین نمایش‌های آیینی را به دوران پیش از اسلام و سوگواره سیاوش به عنوان یکی از شخصیت‌های اسطوره‌ای باستانی

و داستان‌های پهلوانی یا آیین‌ها و باورهای باستانی مانند میترائیسم و یادگار زیران نسبت می‌دهند.

عده‌ای پیدایش تعزیه را ناشی از اثرگذاری اسطوره‌های میان رودان، آناتولی، مصر و برخی نیز افسانه‌های تاریخی نهفته در فرهنگ هند و اروپایی یا سامی را در شکل‌گیری شبیه‌خوانی کنونی موثر می‌دانند و گروهی نیز بر این باور هستند که دین‌های موسوم به ابراهیمی مانند مسیحیت و نمایش مصائب مسیح خواه ناخواه اساس تعزیه امروزی است.

گروهی هم پیدایش تعزیه را به دوران پس از شهادت حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان به صورت پیدا و نهان نسبت می‌دهند؛ چنان‌که ابوحنیفه دینوری یکی از ادیبان، دانشمندان و تاریخ‌نگاران عرب از برگزاری مراسم و مجلس‌های سوگواری برای امیر المومنین، حضرت علی ابن ابیطالب (ع) و خاندان پاک ایشان در دوره خلافت امویان سخن به میان آورده است.

در این میان برخی هم صفویه، دیلمیان و قاجاریه را مبدا این سنت می‌دانند و به هر روی پیشینه و گمان هر چه که باشد، در نهایت می‌توان گفت که شبیه‌خوانی کنونی صورتی تکامل‌یافته‌تر و پیچیده‌تر از سوگواری‌های ابتدایی شیعیان برای شهدای کربلا در سال‌ها و سده‌های نخستین پس از آن واقع مصیبت‌بار، جانگداز و عبرت‌آموز است.

بر این اساس اگر تعزیه را در معنای عزاداری و سوگواری و نه به معنی شبیه‌خوانی امروز در نظر بگیریم، نخستین سوگواری پس از پیشامد عاشورا از سوی گواهان عینی واقعه کربلا (از کودکان تا نوجوانان و بزرگسالان) بوده است که پس از آن واقعه به اسارت درآمدند و راهی شام شدند.

سال‌های سال پس از واقعه کربلا و با برخاستن سلسله صفویه از خطه اردبیل و آذربایجان، رسم عزاداری و از جمله تعزیه به تدریج به سایر نقاط گسترش پیدا کرد و در دوره‌های بعدی بسته به گرایش‌های سلسله‌های حاکم با افت و خیزهایی همراه شد تا در زمان قاجار همزمان با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجلس‌های سوگواری و به ویژه تعزیه شکوفاتر از گذشته شد.

به استناد منابع تاریخی تعزیه که پیش از آن در حیاط کاروانسراها، بازارها و گاهی خانه‌های شخصی اجرا می‌شد، به مجلس‌های عزا در تکیه‌ها و حسینیه‌ها راه یافت که معروف‌ترین و مجلل‌ترین آن تکیه دولت بود که به شمایل سالن تئاتر در سال ۱۳۰۴ هجری قمری ساخته شد

و برخی آن را تقلیدی از تماشاخانه اُپِرا هال انگلستان دانستند. پس از انقراض قاجاریان و روی کار آمدن پهلوی به کمک عوامل خارجی، هرگونه مراسم عزا از جمله روضه‌خوانی و اجرای تعزیه به تدریج ممنوع شد و همین امر موجب گشت تا دوباره مجلس‌های عزای حسینی برای حدود ۲ دهه به پستوی خانه‌ها بازگردد.



انقلاب اسلامی و رونق مجلس‌های عزای حسینی

تعزیه که در طی این سال‌ها بیش از پیش رنگ و بوی هنر به خود گرفت

و تخصصی‌تر شد، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران رونق قابل توجهی یافت که البته بخشی از ریشه‌های آن را باید در دوران مبارزه‌های پیش از انقلاب جست.

به هر روی مجلس‌های عزا از سوی شیعیان در هر منطقه‌ای بر اساس آیین‌ها و رسم‌های ویژه آن منطقه با هدف انتقال پیام عاشوراییان، بزرگداشت مقام والا و پاسداشت رشادتهای شهدای کربلا در افزون بر چهار دهه گذشته تداوم یافته که در این میان اردبیل به عنوان یکی از خاستگاه‌های مهم تشیع در این زمینه نقش برجسته و غیرقابل انکاری داشته است.

به طوری که تعزیه (شبه‌خوانی) در بین مردمان این دیار به عنوان یکی از شاخه‌های هنرهای نمایشی همچنان با حفظ اصالت به ویژه در ماه‌های محرم و صفر با شکوه خاصی تدارک دیده می‌شود و با گردهم آوردن عشاق الحسین در کوچه و خیابان‌های پایتخت حسینیت همچنان با ذکر مصائب شهدا و اسرای کربلا برای نسل امروز که در معرض تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی هستند، نقش غیرقابل انکار و زینب‌واری در انتقال مفاهیم و زنده نگهداشتن آن قیام الی الله ایفا می‌نمایند.

تاثیر و از جمله وجوه ارزشمند این تعزیه‌ها در اردبیل (که این روزها در مناطق مختلف کشور کم و بیش رواج دارد)، جلوگیری از محدود کردن فرهنگ عاشورایی به یک دهه از ماه محرم الحرام به زبان هنر است؛ به طوری که با پایان یافتن مراسم دهه نخست محرم، برخی از این شبه‌خوانان بار سفر بسته و شهر به شهر و روستا به روستا ضمن نمایش گوشه‌ای از مصائب، به تشریح پیام قیام حسین (ع) فرزند علی (ع) امام نخست شیعیان در قالب مداحی و مرثیه‌خوانی می‌پردازند.



این مجلسها با تغییر سبک زندگی و گسترش فرهنگ شهرنشینی، تفاوت‌هایی را رقم زده و در عین حال موجب استمرار آن به گونه‌ای دیگر، در قالب برپایی مجلسهای عزای روزانه و هفتگی در خانه‌های شیعیان و ارادتمندان آل الله از زمان پایان عزاداری‌های دهه نخست محرم تا پایان ماه صفر شده است.

به عبارتی دیگر تعزیه و سایر مجلسهای عزای حسینی در اردبیل برخلاف سایر نقاط تنها به یک دهه از محرم و حتی ماه صفر هم محدود نیست و پس از آن نیز در قالب مجلسهای خانگی و هفته‌خوانی در طول سال ادامه می‌یابد تا دل‌های عاشقان پاکباز را همچنان به نوای حق جلا دهد و صبر و انتظار رسیدن محرم و صفر بعدی را برایشان آسان‌تر کند.

منابع و مأخذ: دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا - ویکی‌شیعه - واژه‌نامه‌های برخط دهخدا و آبادیس.